محاصره شعب ابوطالب، نماد انفعال دشمنان پیامبر(ص)

طبق گزارش «مقریزی» در «امتاع‌الاسماء»، امروز، مصادف با اول محرم، سالروز آغاز محاصره اقتصادی رسول‌خدا(ص)، یاران و خاندانش در منطقه شعب ابوطالب و در سال هفتم بعثت است. شِعْب، منطقه‌ای میان دو کوهِ سنگی در نزدیکی مسجدالحرام بود که به قبیله بنی‌هاشم تعلق داشت. مورخان، دلایل بسیاری را برای آغاز این محاصره هولناک که سه سال به طول انجامید، آورده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها، ناتوانی قریش از مقابله با اقبال روزافزون مردم به دعوت پیامبراکرم(ص) است. نباید از یاد برد در این زمان، مسلمانان نه فقط در عربستان، بلکه در حبشه نیز شناخته شده‌بودند و حتی آزادی عمل داشتند و قریش، با وجود فرستادن عمرو بن عاص و تلاش برای استفاده از نفوذ خود در دربار نجاشی، نتوانسته‌بود مسلمانان را به مکه بازگرداند. از طرفی اسلام آوردن حمزه بن عبدالمطلب که برای بسیاری از جوانان مکه، حکم قهرمان و الگو را داشت، زنگ خطر را برای مشرکان به صدا درآورده‌بود. در واقع آن‌ها، با نگارش پیمانی که به خط منصور بن عکرمه نوشته و بر دیوار کعبه آویخته شد، به دنبال فرار از وضعیت مخاطره‌آمیز خود بودند؛ اینکه اسلام، با وجود آنکه هنوز در اقلیت قرار داشت، چنین قدرت نفوذی پیدا کرده‌بود و مشرکان قدرت مهار آن را نداشتند.

نقبی به تاریخ

دانستنی‌های تاریخی

روزگاری که ابریشم، حُکم نفت را داشت

امروزه نفت و مشتقات آن، اصلی‌ترین کالای صادراتی کشور ماست؛ اما آیا تا به حال فکر کرده‌اید زمانی که هنوز نفت ایران کشف نشده‌بود، چه کالایی در صدر صادرات ایران قرار می‌گرفت؟ شاید باورش سخت باشد، اما دست‌کم در دوره صفویه، ابریشم کالای اول صادراتی ایران بود. قدمت تولید ابریشم در ایران به دوره ساسانی باز می‌گردد و در ادوار مختلف تاریخی، خراسان، گیلان، مازندران و آذربایجان، از مناطق عمده تولید ابریشم ایران بوده‌است. شاه‌عباس به دلیل بالا بودن درآمد این کالا، صادر کردن آن را به انحصار خود درآورد. در سال ۱۶۱۸ میلادی، آدام اولئاریوس، جهانگرد آلمانی که به ایران عصر صفوی سفر کرده‌بود، تولید ابریشم کل کشور ما را ۲۳۲ هزار «مَن» یا حدود ۱۲۵ تُن برآورد کرد و این مقدار، در آن زمان، سهم بالایی در تولیدات ابریشم جهان داشت. حدود ۲۰ سال بعد از این گزارش، تولیدات ابریشم ایران به ۱۹۲ تُن رسید و این افزایش تولید، افزایش درآمد و صادرات را در پی داشت.

مروری بر اندیشه و مبارزات شیخ فضل‌الله نوری، در آستانه سالروز شهادت او

مرثیه‌ای برای غربت «شیخ شهید»

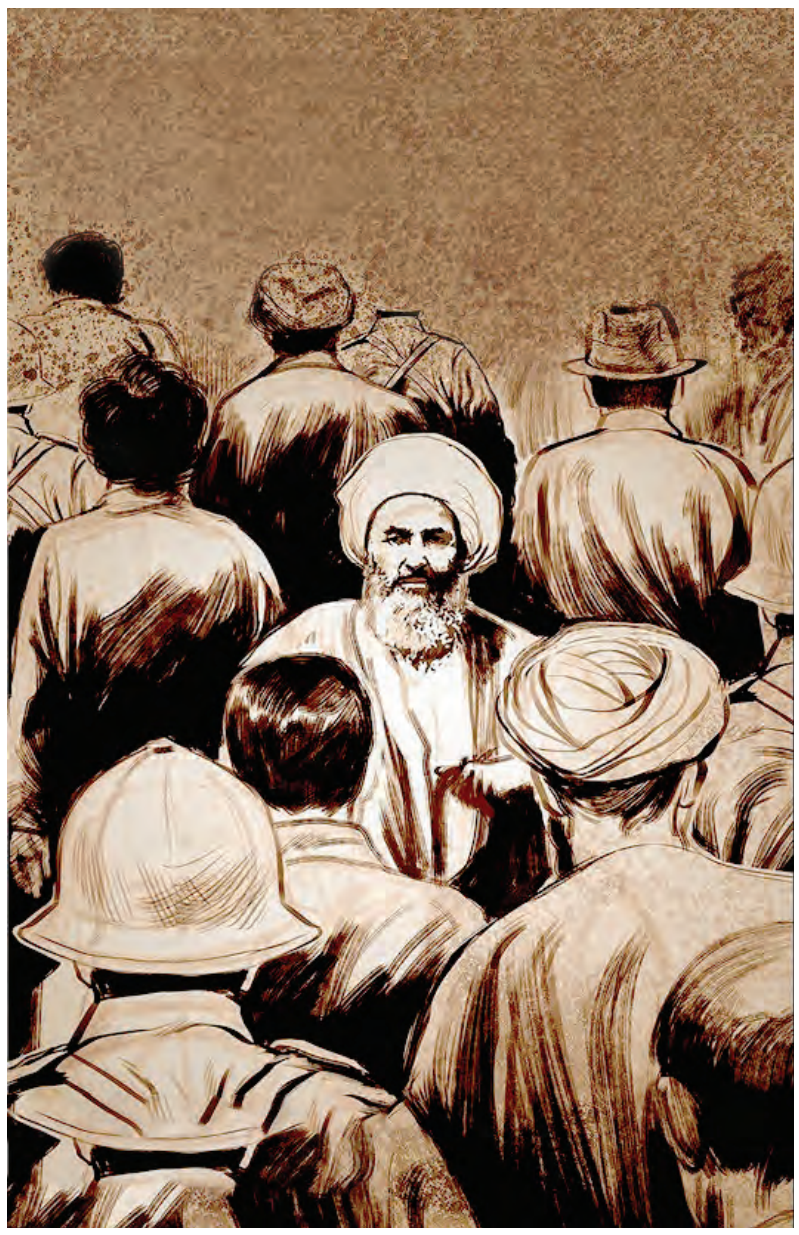

محمدحسین نیکبخت

تا از او نامی به میان می‌آید، سر و صدای روشنفکران غرب‌گرا بلند می‌شود؛ آه و ناله و فغان، که چه؟ شیخ فضل‌الله نوری، دشمن قسم خورده مشروطه است! وقتی تاریخ را گروهی خاص می‌نویسند، باید هم چنین باشد، باید هم نسخه‌ای خاص از رویدادها در ذهن مردم که چه عرض کنم، مورخان امروز و دیروز ما جا بیفتد و هیچ‌کس حتی به خودش اجازه ندهد که برود به سراغ اسناد و ببیند این همه دشمنی و کینه‌توزی برای چیست؟ در میان این همه نفرین‌های عجیب و غریب که نسبت به شیخ شهید ابراز می‌شود، کم بوده‌اند قلم‌هایی که آزادانه از او بنویسند و درباره‌اش حق مطلب را ادا کنند. شگفت‌انگیز این‌جاست که وقتی قرار باشد نقدی به افرادی مانند سیدحسن تقی‌زاده داشته‌باشیم، سر و صدای حضرات بلند می‌شود که قضاوت شما یکسویه است، اما وقتی آن‌ها شیخ شهید را آماج تهمت و توهین قرار می‌دهند، اصلاً کارِ جانبدارانه‌ای انجام نمی‌دهند! سه‌شنبه این هفته، یعنی ۱۱ مرداد ماه، یکصد و سیزدهمین سالروز شهادت شیخ فضل‌الله نوری است و ما، طبق سنت صفحه تاریخ که سعی می‌کند رویدادهای تاریخی هفته پیشِ رو را پوشش دهد، می‌خواهیم امروز، درباره اندیشه او و داستان غم‌انگیز شهادتش صحبت کنیم.

■ **آیا شیخ مخالف مشروطه بود؟**

آیا شیخ فضل‌الله نوری، از همان ابتدا مخالف مشروطه‌خواهی بود؟ اگر چنین است، چرا در آغاز مبارزات، همراه علمای تهران و در اعتراض به استبداد، راهی قم شد و در مهاجرت کبرا شرکت کرد؟ چرا فتوا به مقابله و جهاد با مشروطه ستیزان داد؟ چرا در تدوین متمم قانون اساسی مشروطه حضور داشت و اصلاً اصل دوم این متمم، یعنی نظارت علما و مجتهدان هر عصر بر مصوبات مجلس برای مغایر نبودن آن‌ها با موازین شرعی، به کوشش و تلاش او در متمم جا گرفت؟ مخالفان شیخ شهید، موقعی که می‌خواهند از او حرف بزنند، تمام این حقایق را یا کتمان می‌کنند و یا جوری می‌پیچانند که اصلاً به چشم نیاید. قدر مسلّم این است که شیخ در ابتدای کار و حتی در انتهای کار، مخالف مشروطه نبود. آن مرحوم این موضوع را در دیدارش به سیدضیاءالدین دُرّی اصفهانی، فیلسوف نامدار معاصر که بعدها استاد دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۳۴ش درگذشت، مطرح کرد و به شبهات پاسخ داد. مرحوم دُرّی در خاطراتش می‌نویسد: «من با آن مرحوم (شیخ‌فضل‌الله نوری) آشنایی نداشتم. زمانی که مهاجرت کردند به زاویه مقدسه، یک روز رفتم وقت ملاقات خلوت (خصوصی) از ایشان گرفتم. پس از ملاقات، عرض کردم: می‌خواهم علت موافقت اولیه حضرت‌عالی را با مشروطه و جهت مخالفت ثانویه را بدانم. اگر مشروطه حرام است، پس چرا ابتدا همراهی و مساعدت فرمودید و اگر حلال و جایز است، پس چرا مخالفت می‌فرمایید؟ دیدم این مرد محترم، اشک در چشم‌هایش حلقه زد و گفت: من، والله با مشروطه مخالفت ندارم؛ با اشخاص بی‌دین و فرقه ضالّه و مضلّه مخالفم که می‌خواهند به مذهب اسلام لطمه وارد بیاورند. روزنامه‌ها را لابد خوانده و می‌خوانید که چگونه به انبیا و اولیا توهین می‌کنند و حرف‌های کفرآمیز می‌زنند؟ من عین این حرف‌ها را در کمیسیون‌های مجلس، از بعضی آقایان شنیده‌ام. از خوف آنکه مبادا بعدها قوانین مخالف شریعت اسلام وضع کنند، خواستم از این کار جلوگیری کنم. لذا آن لایحه (اصل دوم متمم قانون اساسی برای نظارت علما بر مصوبات مجلس) را نوشتم. تمام دشمنی‌ها و فحاشی‌ها از همان لایحه سرچشمه گرفته‌است».

■ **ریشه‌های دشمنی با شیخ شهید**

بنابراین، شیخ نه به خاطر مخالفت با مشروطه، بلکه به دلیل ایستادن در مقابل جریان دین‌زدایی که می‌خواست ریشه‌های دیانت را در ایران، به بهانه براندازی استبداد بخشکاند، مورد حمله و نفرت مشروطه‌خواهان تندرو و غرب‌گرا قرار گرفت. او بیش و پیش از همه، به سوءاستفاده برخی مشروطه‌خواهان از نهضت مشروطه پی بُرد و دانست که توطئه‌ای گسترده برای ضربه زدن به دین، در جریان است. شیخ شهید، چنان‌که برخی مدعی هستند، با مظاهر جدید تمدن نه تنها مخالفتی نداشت، بلکه معتقد بود باید آن‌ها را به خدمت گرفت و در راستای اهداف ملی و مذهبی به کار برد؛ شیخ فضل‌الله نوری، نخستین عالمی بود که به اهمیت مطبوعات برای تنویر افکار عمومی پی برد و مجموعه «لوایح» را در قالب گاهنامه منتشر کرد تا مردم را از خطرات اقدامات برخی از مشروطه‌خواهان آگاه کند.

این رودررویی با جریان غرب‌گرا، به قیمت جانِ شیخ شهید تمام شد. البته او تنها قربانی این روند نبود؛ در سراسر ایران، علمایی مشروعه‌خواه وجود داشتند که در ابتدا با مشروطه‌خواهان همکاری کرده‌بودند، اما بعد با مشاهده رویکرد ضددینی آن‌ها، از ادامه حمایت سر باز زدند؛ نمونه‌اش مرحوم میرزاحبیب خراسانی در مشهد که حتی خانه‌اش را در اختیار مشروطه‌خواهان گذاشت و نخستین انجمن ایالتی خراسان در بیرونی منزل میرزا حبیب تشکیل شد؛ اما بعدها که رفتار مشروطه‌خواهان را دید، از آن‌ها فاصله گرفت و سرانجام توسط آن‌ها مسموم و ترور شد.

■ **همه آزاد شدند، الا شیخ فضل‌الله**

وقتی مشروطه‌خواهان در تیرماه سال ۱۲۸۸ تهران را فتح کردند و به اصطلاح، به حکومت استبدادی پایان دادند، بیش از آنکه به دنبال محمدعلی‌شاه و اطرافیانش باشند، در پی شیخ فضل‌الله نوری بودند. جالب این‌جاست که شاه مستبد را با مقرری هنگفت و برای استراحت به اروپا فرستادند، وزیران و اُمرای او را دوباره به کار بازگرداندند، حتی عین‌الدوله، صدراعظم مستبد و معروف عهد مظفرالدین‌شاه را به نخست‌وزیری حکومت مشروطه گماردند! اما در مورد شیخ شهید، هیچ تخفیف و مسامحه‌ای قائل نشدند و جز به قتل وی، رضایت ندادند. همه این‌ها، ریشه در همان مخالفت آشکار او و تیزبینی‌اش نسبت به رفتارهای مشکوک مشروطه‌خواهان غرب‌گرا داشت. روایت محاکمه فرمایشی شیخ و سپس، شهادت مظلومانه او در ۱۱ مرداد ۱۲۸۸، مصادف با ۱۳ ماه رجب و سالروز ولادت امیرمؤمنان(ع)، نشان دهنده عمق این نفرت و کینه‌ورزی است.

■ **محاسنی که برای اسلام سفید شد**

درباره روزهای پایانی عمر شیخ شهید نیز، بسیاری از مورخان متأثر از ادعاهای مشروطه‌خواهان تندرو، راه بی‌انصافی پیش گرفته‌اند. شاید خواندن فرازهایی از خاطرات مدیرنظام نوابی، مشهور به آقابزرگ افسری، از افسران نظمیه آن دوران که به شیخ شهید علاقه و ارادت فراوان داشت، بتواند چهره واقعی آن مرد بزرگ را بهتر و کامل‌تر پیش روی مخاطبان بگذارد. این خاطره که پایان‌بخش نوشتار ماست، مربوط به زمانی است که تهران فتح شده و اطرافیان شیخ شهید در تلاش هستند تا جان او را نجات دهند: «به خانه شیخ شهید رفتم. ایشان رو به من کرد و گفت: من مستحفظ برای چه می‌خواهم؟ به دستور آقا، تفنگچی‌های محافظ خانه را به باغ شاه فرستادیم. آن روز در خانه فقط من ماندم و میرزا عبدالله واعظ، آقاحسین قمی، شیخ خیرالله و همین. آقا آن روزها مریض بود. همه در اتاق بزرگ جمع شده‌بودیم. آقایان هریک به عقل خودشان، راه علاجی به آقا پیشنهاد می‌کردند و او هم جواب‌هایی می‌داد. یک مرتبه آقا رویش را به من کرد و به اسم فرمود: آقا بزرگ‌خان! توچه [به] عقلت می‌رسد؟ من خودم را جمع و جور کردم و گفتم: آقا، من دو چیز به عقلم می‌رسد: یکی اینکه در خانه پنهان شوید و بعد مخفیانه به عتبات بروید. آن‌جا در امن و امان خواهید بود و بسیارند کسانی که با جان و دل شما را در خانه‌شان منزل خواهند داد. فرمود: این که نشد. اگر من پایم را از این خانه بیرون بگذارم، اسلام رسوا می‌شود. تازه مگر می‌گذارند؟ خب! دیگر چه؟ عرض کردم: دوم اینکه مانند خیلی‌ها تشریف ببرید به سفارت. آقا تبسم کرد و فرمود: شیخ خیرالله برو و ببین زیر منبر چیست؟ شیخ خیرالله رفت و از زیر منبر یک بقچه قلمکار آورد. فرمود: بقچه را باز کن. باز کرد. چشم همه ما خیره ماند. دیدیم یک بیرق خارجی است. دهان ما از تعجب باز ماند. فرمود: حالا دیدید! این را فرستاده‌اند که من بالای خانه‌ام بزنم و در امان باشم. اما رواست که من، پس از ۷۰ سال که محاسنم را برای اسلام سفید کرده‌ام، حالا بیایم و بروم زیر بیرق کفر؟ بعد بقچه را از همان راهی که آمده بود، پس فرستاد».

آیت‌الله العظمی سیدعبدالله شیرازی

(۱۳۶۳ - ۱۲۷۰ش)

مرجع تقلید و از علمای آگاه و مبارز دوران معاصر بود. وی در شیراز متولد شد و در نجف به تحصیل پرداخت. آیت‌الله شیرازی در جریان قیام مسجد گوهرشاد و به دلیل حمایت از آن، به تبعید فرستاده شد. او در دوران انقلاب نیز، از مدافعان نهضت بود؛ به‌ویژه در سال ۱۳۵۷، منزل ایشان در مشهد مقدس به مرکز تجمع سران انقلاب تبدیل شد. آیت‌الله شیرازی در اول محرم ۱۴۰۵ (۵ مهر ۱۳۶۳) درگذشت و در حرم مطهر امام رضا(ع) به خاک سپرده‌شد.

تاریخ ۵ قدس

آگهی دو مورد مناقصه عمومی

ردیف	موضوع	مبلغ(ریال)	شماره فراخوان سامانه ستاد
۱	احداث کانال آبهای سطحی بلوار دندانپزشکان حدفاصل میدان تا دندانپزشکان ۱۲ و فرعی ها	۱۲/۱۱۲/۸۴۵/۶۵۵	۲۰۰۱۰۹۴۹۴۶۰۰۰۰۰۱
۲	خرید آسفالت گرم معابر سواره رو سطح منطقه یازده	۱۴/۸۰۸/۶۷۰/۵۰۰	۲۰۰۱۰۹۴۹۴۶۰۰۰۰۰۲

شهرداری منطقه یازده

جهت کسب اطلاعات بیشتر، دریافت اسناد و شرکت در مناقصه، به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir مراجعه نمایید. این آگهی در روزنامه رسمی به آدرس www.rrk.ir نیز درج می گردد.

۴۰۱۰۵۷۵۱

آگهی مفقودی

شناسنامه خودرو سواری سیستم پژو تیپ VXU-405 GLX به رنگ نقره ای – متالیک مدل ۱۳۹۲ به شماره موتور ۱۲۴K ۰۱۵۱۷۷۳ به شماره شاسی CAXDR ۵۹۹۸۵۶ ۰۱ NAAM به شماره پلاک ۵۸۶ ج ۷۶ – ایران ۹۵ بنام ابراهیم کردی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد / ایرانشهر

۴۰۱۰۵۷۶۰

آگهی مفقودی

برگ سبز و سند کمپانی کامیون باری چوبی سیستم بنز تیپ ال ۴۲/۹۱۱ به رنگ فیلی - روغنی مدل ۱۳۵۷ به شماره موتور ۱۰۰۱۰۶۹۵ و شماره شاسی ۱۴۲۹۵۳۶۹ به به شماره پلاک ۴۴۹ ع ۶۶ ایران ۶۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبارساقط می گردد.

۴۰۱۰۵۷۲۷

آگهی مفقودی

مدرک کارشناسی اینجانب آزاده کیان خواه فرزند بهرام شماره شناسنامه ۰۶۷۰۱۶۱۷۰۵ صادره ازبجنورد به شماره دانشجویی ۹۳۱۲۷۱۰۱۴۹ مقطع کارشناسی نقاشی از موسسه اموزش عالی فردوس مشهد مفقود گردیده وازدرجه اعتبار ساقط می باشد .ازیابنده تقاضامی‌شوداصل مدرک رابه‌موسسه آموزش عالی فردوس مشهد به نشانی خراسان رضوی‌مشهد،بلوارشهیدکلاهدوز،کلاهدوز۳۰ ارسال نماید .

۴۰۱۰۷۸۰۰

آگهی مفقودی

گواهینامه موقت پایان تحصیلات آقای علی علیپور سخاوی فرزند احمد با شماره شناسنامه ۳۴۱ صادره از مشهد در مقطع کارشناسی رشته مهندسی کشاورزی زراعت و اصلاح نباتات به شماره ۷۷۱۱۸۵۱۲۶ صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد تربت جام مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد.
از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی تربت جام به نشانی: استان خراسان رضوی ،تربت جام، کیلومتر ۵ جاده فریمان-پردیس دانشگاه آزاد اسلامی واحد تربت جام اداره امور فارغ التحصیلان ارسال نمایید.

۴۰۱۰۴۳۵۳

آگهی فراخوان

مناقصه های عمومی یک مرحله ای با ارزیابی کیفی شماره ۱۴۰۱/۲/۱/۴و ۱۴۰۱/۲/۱/۵ واگذاری امور مربوط به اتفاقات و عملیات در شهرستانهای حوزه شرق و غرب استان (نوبت اول)

شرکت توزیع نیروی برق استان خراسان رضوی

شرکت توزیع نیروی برق استان خراسان رضوی در نظر دارد واگذاری امور مربوط به اتفاقات و عملیات در شهرستانهای حوزه شرق و غرب استان را از طریق مناقصه عمومی یک مرحله ای به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. لذا از تمامی شرکتهای دارای صلاحیت از وزارت تعاون ، کار و رفاه اجتماعی در زمینه تامین نیرو دعوت میشود از مورخ ۱۴۰۱/۵/۸ جهت کسب اطلاعات تکمیلی و دریافت اسناد به آدرس اینترنتی سامانه تدارکات الکترونیکی دولت www.setadiran.ir مراجعه نمایند.

www.kedc.ir

روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق استان خراسان رضوی

۴۰۱۰۵۷۰۸

آگهی تجدید مناقصه عمومی

شماره فراخوان سامانه ستاد ۲۰۰۱۰۵۰۲۲۴۰۰۰۰۱۳

شهرداری مشهد (مرکز)

موضوع: واگذاری حجم کار خدمات عمومی (پذیرایی و نظافت) ساختمانهای اداری ستاد و توابع ستادی شهرداری مشهد

مبلغ برآورد: ۴۲۳,۹۲۸,۰۰۵,۲۱۳ ریال

جهت کسب اطلاعات بیشتر، دریافت اسناد و شرکت در مناقصه، به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir مراجعه نمایید. این آگهی در روزنامه رسمی به آدرس www.rrk.ir نیز درج می گردد.

۴۰۱۰۵۷۵۲

پذیرش آگهی و تبلیغات در قدس آنلاین

WWW.QUDSONLINE.IR

تلفن پذیرش: ۳۷۰۸۸